

بررسی عناصر داستان در رمان «باده کهن» اسماعیل فصیح

معصومه فدایی*، 83،

1397-06-20

داستان‌نویسی بخش مهمی از ادبیات جهان را تشکیل می‌دهد. هر داستان، اصول و بنیادهایی دارد که در حیطه‌ی ادبیات داستانی به آنها «عناصر داستان» گفته می‌شود. بهره‌گیری هر یک از این عناصر در داستان به سبک و شیوه‌ی نویسندگی خالق اثر باز می‌گردد. این پژوهش با هدف شناخت و بررسی عناصر داستان در رمان «باده کهن» اثر اسماعیل فصیح به روش توصیفی-تحلیلی تهیه و تنظیم شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که: پیرنگ در رمان مذکور از نوع بسته است و فصیح از بخش‌های مختلف پیرنگ چون بحران، نقطه‌ی اوج، کشمکش، گره افکنی و ... استفاده کرده است. موضوع و درونمایه‌ی رمان حیطه‌ی عرفان را در بر گرفته که برای مخاطب جنبه‌ی حقیقت‌مانندی دارد. نویسنده در بسیاری از مواردی صحنه‌های موجود در داستان خود را با شیوه‌ی توصیف و بیان جزئیات برای مخاطب تصویرسازی کرده است. شخصیت اصلی داستان دارای شخصیتی پویا، اصلی و جامع است و مابقی شخصیتها از نوع ایستا، فرعی و ساده هستند. فصیح در شخصیت‌پردازیهای خود از هر دو شیوه‌ی مستقیم و غیرمستقیم استفاده کرده که در این میان، بیشترین بهره را از شخصیت‌پردازی غیرمستقیم داشته است. گفتوگو در رمان مذکور به هر دو شکل گفتوگوی دوطرفه و تک‌گویی است ولی نویسنده بیشتر بر گفتوگوهای دوطرفه تأکید داشته است. زاویه‌ی دید رمان «باده کهن» از نوع دانای کل و سوم شخص است. فضا و جو رمان، وجه عرفانی دارد و بنیان اصلی رمان بر پایه‌ی تغییر رویه‌ی فردی و گرایش انسان به معنویات است.

کلمات کلیدی : ادبیات داستانی، رمان، عناصر داستان، اسماعیل فصیح و باده کهن.

[Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database](#)

[دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها](#)